

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

معرفی نسخه خطی «مَقَام زَخَّار و صَمَّصام بَتَّار» و بررسی تفکرات تاریخی و ادبی  
شاهزاده فرهادمیرزا در تدوین آن  
(ص ۱۶۸-۱۵۳)

دکتر مهدی صلاح<sup>۱</sup>، محمد شیخ‌الاسلامی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

### چکیده

دانش سبک‌شناسی به کمک پژوهشگران آمده تا بتوانند به شیوه‌ای روشمند، به لایه‌های پنهان اندیشه نویسنده پی ببرند. در این جستار با تکیه بر روش استقرایی مبتنی بر توصیف و تحلیل، شاخصه‌های سبکی کتاب «مقام زخار و صمصام بتار» را در لایه‌های آوایی، واژه‌ای، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد واکاوی قرار داده‌ایم و از رهگذار این روش، به چگونگی تفکرات فرهاد میرزا پی ببریم. بهره‌مندی از جناس، سجع و تکرار در لایه آوایی بسامد بالاتری دارد. در لایه واژه‌ای، غلبه واژه‌های انتزاعی سبب میشود مخاطب به هنگام خوانش متن، از فکر خود بهره بیشتری ببرد و تلفیق کلمات حسی و ذهنی به هنگام بازگو کردن برخی روایات، سبب هنری‌تر شدن متن شده. در لایه نحوی، کاربرد کهن افعال و تبعیت از ساختار نحو عربی در مواردی، پیوندی شگرف بین زبان ایران پیش از اسلام و نحو عربی برقرار می‌سازد. در لایه بلاغی کاربرد تشبیه، استعاره، کنایه و دیگر صناعات معنوی بر هنریتر شدن سبک نوشته افزوده است. در لایه ایدئولوژیک، بر آنست که بر تقدس حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> از رهگذار رو ساخت کلام بیفزاید و این نکته را یادآور شود که جایگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> و خاندان ایشان با تکیه بر استنادات تاریخی دقیق و پیوند آن با شاخصه‌های ادبی - والا و بحق است.

**کلیدواژه‌ها:** متون تاریخی، مقام زخار و صمصام بتار، امام حسین، سبک‌شناسی، تحلیل متن،

مقتل نویسی.

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی.

mehdisalah2011@yahoo.com

m.sh0731@yahoo.com

## مقدمه

از جمله ابزارهای مهم در بازخوانی و تحلیل متون - به‌ویژه متون ادبی و تاریخی - دانش سبک‌شناسی است. ما به کمک این دانش می‌توانیم لایه‌های پنهان متن را به شکلی نظام‌مند و مجزاً مورد واکاوی قرار دهیم. هر چند دستیابی به این مهم، نیازمند طرح شیوه‌های نوین دانش سبک‌شناسی است. این ضرورت از آن جهت است که زبان، شبکه‌ای است منسجم از لایه‌ها و پیوندهای گوناگون و ما ناگزیریم برای پی بردن به محتوای متن - از رهگذار شاخصه‌های ظاهری و صوری - به دانشی همچون سبک‌شناسی لایه‌ای روی آوریم.

## پیشینه تحقیق

جست‌وجوی ما دربارهٔ پیشینهٔ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تا کنون اثری با عنوان سبک‌شناسی یا درنگاهی جزئی‌تر سبک‌شناسی لایه‌ای قمقام زخار و صمصام بتار<sup>۱</sup> یا هم‌سان آن نوشته نشده است؛ بلکه تعدادی از مقاله‌ها به توضیح برخی کلیدواژه‌های مورد نظر این مقاله بر روی دیگر آثار پرداخته‌اند. از جمله این جستارها، مقاله‌ای با عنوان سبک‌شناسی لایه‌ای / شعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده از محمدرضا صرفی و مزگان ونارجی که ابیات مورد نظر را از دو لایهٔ آوایی و واژه‌ای مورد واکاوی قرار می‌دهد. نیز مقاله‌ای با عنوان سبک‌شناسی لایه‌ای در خطبهٔ ۲۷ نهج‌البلاغه، از حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی که مشابه اثر قبل، روش تحلیل متن، بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن است. همینطور مرتبط با این شیوه، مقاله‌ای دیگر با عنوان سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافت‌مند سبک نامه شماره یک غزالی در دو لایهٔ کاربردشناسی و نحو از ابوالقاسم قوام و مریم درپر بر همین مینا مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین با نگاهی دقیق در این حوزه، تا کنون اثری مبتنی بر دانشهای زبانی و ادبی با تکیه بر متن کتاب قمقام زخار و صمصام بتار انجام نشده است و جستار پیش روی، نخستین اثر در این زمینه می‌باشد.

## پرسشهای پژوهش

۱. ظرفیت و قابلیت متن کتاب قمقام زخار و صمصام بتار با تکیه بر شاخصه‌های سبک‌شناسی، تا چه میزان قابل اعتنا و واکاوی است؟
۲. رویکرد مؤلف کتاب قمقام زخار و صمصام بتار، با توجه بر شیوه‌های نوین سبک‌شناسی، در کدام لایه برجسته‌تر است؟

<sup>۲</sup> - از چاپ‌های این اثر میتوان به چاپ سنگی در سال ۱۳۰۵ ه. ق. به خط محمدعلی منشی علی آبادی، در ۷۱۳ صفحه، چاپ آن به تصحیح محمود محرمی زرنیدی، چاپ کتابخانهٔ اسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ق، تهران؛ چاپ اسلامیه در سال ۱۳۷۷ با مقدمهٔ حسین عمادزاده؛ چاپ آن به تصحیح محمود محرمی زرنیدی، چاپ انتشارات کتابچی، چاپ دوم ۱۳۷۹ ش، تهران؛ چاپ آن به تصحیح، تلخیص و ترجمهٔ عبارات عربی از غلامحسین انصاری، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰، تهران، نام برد.

## فرضیه‌های پژوهش

۱. کتاب *مقام زخار و صمصام بتار*، به لحاظ سبکی، جزو متون ادبی-تاریخی عصر قاجار به حساب می‌آید که میتوان آن را از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای بررسی کرد.
۲. مؤلف با بهره‌مندی از لایه‌های آوایی، واژه‌ای و حتی نحوی، سعی دارد، بر تقدس و اهمیت معنای متن خود-از این رهگذار- بیفزاید.

## مقتل‌نویسی فرهادمیرزا

در مبحث مقتل‌نویسی دوره قاجار، فرهاد میرزا که از اعقاب عباس میرزا، یکی از سرآمدان این فن بوده است. او که بر منابع معتبر و دست اول تسلط داشته به مستندسازی اثر خود پرداخته است. مقتل نوشته مقام زخار و صمصام بتار اثری بدیع و معتبر هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ ادبی است. فرهادمیرزا از دوره جوانی به کسب مهارت و دانش علاقه نشان داد و بعدها به مورخی بزرگ در دوره ناصری مبدل شد. او در دوران سلطنت محمدشاه، محافظ مرزهای فارس و عراق بود و نظمی پایدار را در آن منطقه برقرار ساخت و حتی مدتی نیز در غیاب محمدشاه، نایب السلطنه گردید.

تدوین و تالیف *مقام زخار و صمصام بتار* که به معنای (دریای آکنده و شمشیر برنده) است به سال ۱۳۰۳ ه. ق. آغاز شده و طبق تاریخ مندرج در آن به تاریخ چهارشنبه ۲۵ ذی الحجه سال ۵. ق. ۱۳۰۴. به پایان رسیده است. کتاب فوق در دو جلد تدوین گردیده است. جلد اول، شامل زندگی امام حسین (ع) و شرح احوال و شهادت مسلم بن عقیل و حوادث قیام کربلا است. جلد دوم کتاب به مقتل‌نویسی خاندان بنی هاشم و شرح اسارت بازماندگان کربلا و قیام توأبین و قیام مختار همراه با نمونه‌های شعری است. او در تدوین اثر فوق با استفاده از کتابهای معتبر اهل سنت و شیعه کتابی ارزشمند و به دور از حبّ و بغضهای رایج آن روزگار ارائه نموده است. فرهاد میرزا در مقدمه اثر خود مینویسد: «این بنده قلیل الحظّ کثیر الجهد را از عنفوان جوانی و ریّعان زندگانی در خاطر فاتر بود تا کتابی خالی از حشو و زواید در اصول خجسته مآل حضرت سیدالشهداء به رشته تألیف درآورد در عدد اصحاب کبار آن امام اختیار و تعداد سپاه کفار و مقتولین طرفین و حالات بعد از شهادت آن سید ابرار را به درستی بنگارد و به علت تراحم اعمال دیوانی و اشتغالات سلطانی و تراکم آلام و مَحَن این منظور از مکض غیب جلوه ظهور و بروز نداشت و چون طلعت حور، همی‌شه در پرده خفا محبوب و مستور بود، معهدا هیچ وقت از وصول به مأمول مأیوس نمیشد و به نیل مسؤؤل، قلب خود را تصنیت و تسلیت میداد که از رحمت پروردگار مباد نامید بود، سپس پس از چندی قلم به دست گرفته و شروع به نوشتن این اثر میکنم، باشد که این کتاب ذخیره‌ای برای دنیا و آخرتم قرار گیرد» (مقام زخار و صمصام بتار، معتمدالدوله: مقدمه).

## سبک‌شناسی لایه‌ای (Stratum Stylistics)

در این روش، ما سبک یک اثر را در پنج لایه آوایی، واژه‌ای، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی میکنیم. از همین رو، به آن سبک‌شناسی لایه‌ای میگویند. از جمله شاخصه‌های برجسته این سبک

«بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد، وانگهی سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن جداگانه مشخص میکند» (همان: ص ۲۸).

### قَمِّمَاق زَخَّار و صَمِّصام بَتَّار

پیش از پرداختن به تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای اثر، یادآوری این نکته حایز اهمیت است که «درباره امام حسین<sup>(ع)</sup> و قیام خونبار آن حضرت منابع و مآخذ متعدد و فراوانی وجود دارد. در یک بررسی مشخص می‌گردد که برخی از نویسندگان در محدوده تخصصی علمی خود قلم زده و اهل تاریخ و یا علاقه‌مند به این رشته بوده‌اند... در یک تقسیم‌بندی کلی علاوه بر کتابهای عمومی مربوط به تاریخ و ادب، چندگونه نوشتار در مورد قیام کربلا به چشم می‌خورد که فهرستوار عبارتند از: کتابهای مقتل از نویسندگانی چون ابی مخنف، نهارندی، ثقفی، ابن نباته، ابن نعمه و غیره که حداقل به زبان عربی و فارسی حدود چهل و هشت مقتل شناسایی شده و به طور قطع اگر تفحصی همه جانبه صورت گیرد تعداد آن بیش از این خواهد بود... کتابهایی همچون لَهوف بارها ترجمه و تجدید چاپ شده و در اختیار عموم قرار گرفته‌اند. با این همه یکی از پرآوازه‌ترین کتابهای تألیفی در قرون اخیر کتاب قَمِّمَاق زَخَّار و صَمِّصام بَتَّار اثر فرهاد میرزا معتمدالدوله است که از آن با عنوان مقتل کامل، شایسته و معتبر تعبیر کرده‌اند. این مجموعه با آن که قریب به یکصد و بیست سال از تألیف آن می‌گذرد، همچنان تازگی مضامین و انسجام مطالب و استحکام تألیف به ضمیمه اطلاعات گسترده و سودمند در آن به چشم می‌خورد» (قَمِّمَاق زَخَّار در تاریخ واقعه کربلا، رحیمی: ص ۲۸).

افزون بر این مهم، درباره زندگانی فرهاد میرزا باید روشن ساخت که وی «پسر پانزدهم عباس میرزای نایب‌السلطنه بوده است که در سال ۱۲۳۳ هـ - ق. چشم به جهان گشود. چیزی که در مورد شخصیت علمی و فرهنگی او بیشتر، خود نمایی میکند، تحقیق و تتبع او در ضمن رتق و فتق امور مملکتداری و حکمرانی اوست. معلم حبیب آبادی در مورد ایشان مینویسد که "این شاهزاده از اجله فضلا و رجال علمی خانواده قاجار بوده که در علوم ریاضیه و ادبیه و تاریخ و غیره ماهر و مسلط بوده و علاوه بر بزرگواری خانوادگی، تحصیل علوم عدیده نمود تا از بزرگان علم و فضل گردید" (عصر قاجار و تذکره‌های خاندانی، محسنی: ص ۵۱). شاهزاده عباس میرزا «به سبب تفرّلی که به قرآن زده و نذری که کرده بود کتاب را نوشته است... [قَمِّمَاق زَخَّار و صَمِّصام بَتَّار] در دو جلد سامان یافته. جلد نخست، زندگی امام حسین<sup>(ع)</sup> و مباحثی همانند قیام مسلم بن عقیل و حوادث مربوط به قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> از آغاز تا شهادت اصحاب را در روز عاشورا در بر دارد. جلد دوم به مباحثی از قبیل شهادت بنی‌هاشم و امام و حوادث پس از شهادت حضرت از قبیل اسارت اهل بیت و بردن آنان به کوفه و شام و بازگرداندن آنان به مدینه، عقوبت کشتندگان امام، قیام توابین و مختار و بیان اشعاری در سوگ امام پرداخته است. از نکات برجسته و تحقیقی این کتاب، ضبط درست اسامی

اشخاص و مکانها و ترجمه و توضیح صحیح معانی اسما، مکانها، لغات، اشعار و امثال در بسیاری از موارد، و در مواردی، معرفی و بیان شرح حال کوتاه برخی از افراد است» (رنجبر، ۱۳۸۶: ۹۱).

## سبک‌شناسی قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بَتار

### ۱. لایه آوایی

#### ۱.۱. موسیقی درونی

- جناس: جناس از آرایه‌هایی است که «در سخن آراسته و هنرورزانه کاربردی گسترده یافته است. این آرایه نیک خنثیای درونی، سخن را سودمند و کارساز می‌تواند افتاد. همگونی آن است که در میان دو واژه بتوان به گونه‌ای ویژه، از دید ریخت و ساختار آوایی، همانندی و پیوندی نزدیک یافت.» (بدیع، کزازی، الف: ص ۴۸).
- حمد نامحدود آفریدگار را که آفریدگان را از مایه جود پایه وجود بخشیده. (قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بتار، معتمدالدوله: ص ۱۱).
- گروهی را هیبت جلال دیده بدوخت... و زمره‌ای را پرتو جمال هستی بسوخت. (همان).
- سید کونین... مانند شمع سر بر کرد، قامت برافراخت، چهره برافروخت. (همان).
- تا وعده را هنگام وفا رسید و مکنون غیب را پرده خفا. (همان: ص ۱۲).
- خردمندان را در عاجل و آجل. (همان).
- چون مخدول خواست شمشیر دیگر فرود آورد امام برخاست تا بود تیغی زند. (همان: ص ۵۳۳).
- حالی خاطر رمیده آرمیده شد. (همان: ص ۱۵).
- پسران خویش را شبر و شبیر نامید و من این دو پسر خویش را حسن و حسین نام نهادم. (همان: ص ۶۱).
- با استناد بر روش استقرایی مبتنی بر توصیف و تحلیل در خواهیم یافت که شاهزاده فرهاد میرزا، در متن گرانسنگ کتاب خود از انواع جناس بهره برده است. با نگاهی به کل اثر باید یاد آور شد که انواع جناس مانند: مزید، لفظ، شبه اشتقاق، لاحق و مضارع بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.
- سجع: «آن است که دو واژه، به گونه‌ای، در ریخت و ساختار آوایی با هم پیوند داشته باشند.
- سجع را بر سه گونه بخش کرده‌اند: ۱. سجع همسنگ (متوازن)، ۲. سجع همسوی (مطرف)، ۳. سجع همسان (متوازی)» (بدیع، کزازی، الف: صص ۴۲-۴۳).
- خامس آل عبا ختم سعادت را به میدان شهادت تاخت. (قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بتار، معتمدالدوله: ص ۱۲).
- پاس حرمت من و قرابت تو نداشتند، اکنون شکایت بتو آوردم. (همان: ص ۳۰۲).
- هیچ کس از عارف و عامی و قاصی و دانی از معرفت آن گزیر نیست. (همان: ص ۱۲).

- به عنایت باری عزوجل مستظهر و به بلوغ امل و فسحت در اجل مستبشر شدم. (همان: ص ۱۵).
- *فوادح* و *سوانح* آن سفر را خود نهایت نبود. (همان).
- ضجرت و فکرت کناره کنم، و حیرت و کربت بر کرانه نهم. (همان: ص ۱۸).
- خدای داناست که با قلت بضاعت و عدم استطاعت. (همان: ص ۱۹).
- دربارهٔ بسامد این صنعت در قِمقام زخار و صمصام بتار لازم است روشن سازیم که سهم قابل توجهی در متن اثر دارد. همانطور که از نمونه‌های فوق نیز دریافت می‌گردد، از میان سه گانهٔ سجع، سجع همسان (متوازی) بیشترین میزان را به خود اختصاص داده و همین امر بر خنیاگری متن، تأثیری شگرف نهاده است. باید افزود که از میان سه نوع سجع، نوع متوازی آن جزو والاترین و آهنگین‌ترین گونهٔ جناس است که فرهاد میرزا از این صنعت بهره‌ای کامل برده است.
- تکرار: باید یادآور شد که تکرار «آن است که واژه‌ای چندین بار در سخن به کار برده شود، به گونه‌ای که مایهٔ زیبایی و نگارینی فزونتر آن گردد... گاه سخنور لخت‌هایی از سخن را در سروده باز می‌آورد... گاه بخشی از واژه‌ای به تکرار در سخن آورده شده است... [نیز] سخنور آوایی را پی در پی در سخن خود بیاورد» (بدیع، کزازی، الف: صص ۸۱-۸۴).
- *السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه*. (قِمقام زخار و صمصام بتار، معتمدالدوله: ص ۱۳).
- *ایمام برخاست تا بدو تیغی زند از شدت ناتوانی نتوانست، بازگشت که مگر به جانب خیم عصمت و طهارت رود*. (همان: ص ۵۳۳).
- *فِسقاَهم من تحتها متسلسلا / عذبا یزید علی الالذالاعذب*. (همان: ص ۱۳۲).
- *مایهٔ خشنودی خدا و خرسندی سید انبیا*. (همان: ص ۱۲).
- *قهرمان الماء و الطین سلطان السلاطین و خاقان الخواقین*. (همان: ص ۱۳).
- *حضرت امامین همامین کاظمین علیهما الصلوٰه و السلام گماشتم*. (همان: ص ۱۷).
- *آن شتران آبکش که داشتند چون شد؟* (همان: ص ۲۱).
- هر روز در عقدهٔ تعویق بود و به تقدیم این خدمت توفیق نمی‌یافت. (همان: ص ۱۷).
- از میان سطوح گوناگون تکرار، نغمهٔ حروف یا همان واج‌آرایی بسامدی در خور توجه نسبت به تکرار در سطح کلمه یا عبارت دارد و نکتهٔ حایز اهمیت در این مقوله، بسامد بالای تکرار برخی حروف و نیز م صوت بلند آمیا شد. حال این نکته را باید یاد آور شد که «م صوتها از جهت جایگاه زبان در دهان، به دو نوع کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند... م صوتهای بلند بیش از م صوتهای کوتاه بر آرامش و وقار دلالت دارند و مصوتهای کوتاه حاکی از حرکت سریع و ابراز هیجانات هستند... علاوه بر آن تلفظ م صوت // که با دهان باز و کشش بیشتر نسبت به مصوتهای دیگر همراه است، و نیز شکل بلند آن، بیان‌گر علو و ارتفاع است» (فرهنگ نام‌آوایی فارسی، وحیدیان کامیار: صص ۲۸-

۳۰). مؤید همین نکته، هنگامی که حضرت سیدالشهدا قصد رفتن به میدان جنگ میکنند، در عبارات و ترکیبات بسامد مصوت بلند // رو به فزونی است. از این منظر در میان آواها، «آوای ل بر مایع روان، جوی آب، استراحت و سرخوشی دلالت دارد... آواهای ت، د، ک، گ، چ، ح، غ حاکی از خشونت، درشتی، سختی و سروصداست» (صوت آواها و نظریه منشأ زبان، نیکویخت: ص ۱۲۷) که با تدقیق در روساخت و ژرف ساخت کلام به این مهم دست خواهیم یافت.

## ۱.۲. موسیقی بیرونی

• وزن، ردیف و قافیه: باید یاد آور شد، وجه غالب کتاب قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بَتار به نثر است و تنها در میان نقل قول‌ها و سخنانی که فرهاد میرزا به آنها پرداخته، ابیاتی پراکنده به زبانهای فارسی و عربی هم آورده است که در این بخش از جستار، مبنای پژوهش، بر پایه ابیات کتاب است: هر چه کردند از علاج و از دوا گشت رنج افزون و حاجت ناروا (قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بَتار، معتمدالدوله: ص ۱۷)

وزن شعر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: رمل مسدس محذوف.

کلمه قافیه: دوا / ناروا

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عذاب و چه ماتم است (همان: ص ۹۳۸)

وزن شعر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف.

ردیف: است

کلمه قافیه: عالم / ماتم

افتاد شامگه بکنار افق نگون خور چون سر بریده ازین طشت واژگون (همان: ص ۹۴۶)

وزن شعر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف.

کلمه قافیه: نگون / واژگون

به پیوستم این نامه بر نام او همه خسروی باد فرجام او (همان: ص ۱۹)

وزن شعر: فعولن فعولن فعولن فعل: متقارب مثنی محذوف

ردیف: او

کلمه قافیه: نام / فرجام

بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد (همان: ص ۵۳۲)

وزن شعر: مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعلن: مجتث مثنی مخبون محذوف

ردیف: افتاد

کلمه قافیه: زین / زمین

بغات الطیر اکثرها فراخا و ام الصقر مقالات نزور  
(همان: ص ۲۱۱)

وزن شعر: مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مسدس محذوف.

همانگونه که پیشتر اشاره کردیم، وجه غالب قمقام زخار و صمصام بتار به نثر است و ابیاتی پراکنده به زبانهای فارسی و عربی از شعرای مختلف آورده شده است. این نکته را نمیتوان نادیده گرفت که همین مسأله، بیانگر گستردگی و غنای ادبی شاهزاده فرهاد میرزاست و مؤید همان بحث که او را ادیب و مورخی چیره دست دانستند. از این حیث کتاب او شباهتی با گلستان سعدی دارد که تلفیقی است از نثر و نظم. از کتب هم عصر او که به همین سبک نوشته شده، پریشان قآنی شیرازی که آن نیز به تقلید از گلستان است.

## ۲. لایه واژه‌های

### ۲.۱. واژه‌های حسی یا انتزاعی

«واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعیند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسیند» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۵۱).  
با مطالعه و تدقیق در نثر کتاب قمقام زخار و صمصام بتار در خواهیم یافت که بسامد واژه‌های انتزاعی در دیباچه و سرآغاز کتاب برجسته شده است و به تدریج با ورود به متن اصلی و ذکر وقایع -به ویژه داستان- بهره‌مندی مؤلف از واژه‌های حسی نیز قابل تامل است؛ اما در نگاهی کلان به کل اثر، غلبه واژه‌های از این وجه با کلمات انتزاعی است و در این باره باید یادآور شد که «شفافیت سبک ادبی و تأثیر هنری آن ناشی از غلبه واژه‌های حسی... و ابهام سبک، محصول بسامد بالای واژه‌های ذهنی» (همان) است.

- دست تو سل به دامن اهل بیت عصمت و طهارت زده اعاده نذر نمودم که اگر از دهر فرصتی و در عمر مهلتی باشد این خدمت را به پایان آرم. (قمقام زخار و صمصام بتار، معتمدالدوله: ص ۱۶).  
- در هنگام بیعت امیرالمؤمنین مجتبی نشسته بود و چندان ازدحام و سبقت کردند که بر ابهام مبارکش پای نهادند و شق عطف مؤید این معنی باشد. (همان: ص ۶۰).  
- جبرئیل بیامد و با خویش تابوتی بیاورد که اندر آن یکصد و بیست و نه هزار میخ بود، نجی الله آن میخ‌ها همیکوبید تا پنج از آن بماند، نخست مسماری برگرفت. (همان: ص ۱۱۰).  
- شما را تاب مقاومت اینان نیست و مرا خوش نباشد که در معرض هلاک آید، کسان آهنک مراجعت کردند. (همان: ص ۲۲۳).

از جمله شاخصه‌های برجسته واژه‌های انتزاعی آن است که فعالیت ذهن و همچنین تمرکز آن برای رسیدن به معنا را افزایش میدهد. به نظر میرسد، فرهاد میرزا نیز این نکته را مطمح دیدگاه



خود قرار داده و با بهره‌مندی از واژه‌های ذهنی، توجه مخاطب را به تقدس و حساسیت گزاره مورد بحث جلب نماید.

## ۲.۲. کلمات و عبارات عامیانه

با توجه به سبقه ادبی و خانودگی که از شاهزاده فرهاد میرزا میشناسیم، در متن اثر وی، با کلمات و عبارات عامیانه مواجه نمی‌شویم و اگر هم باشد، فرهاد میرزا به طریق اولی، رو ساخت کلام را به گونه‌ای عرضه میکند که مخاطب با تدقیق بیشتر آن را در خواهد یافت.

- یزید... پیوسته خمر میخورد و طنبور مینوازَد و با بوزینگان بازی میکند، دین خدا را به بازیچه گرفته است. (همان: ص ۳۱۶).

- ابن زیاد نپسندیده گفت این فضولی و تطویل چیست. (همان: ص ۳۵۷).

نکته قابل ذکر این است که بهره‌مندی نویسنده از کلمات و عبارات عامیانه، شاذ و نادر است؛ اما همان میزان نیز بیشتر در روایاتی که مرتبط با دشمنان سیدالشهدا و آل رسول هستند، ذکر میشود. به بیانی دیگر، هنگامی که سخن از دشمنان خاندان پیامبر به میان می‌آید، فرهاد میرزا، در توصیف آنان، سطح ادبی کلام را تقلیل میدهد و در یک به یک واژه‌های، این مهم را متبلور میسازد.

## ۲.۳. به کارگیری کلمات کهن

از جمله مواردی که در متن اثر مورد پژوهش، برجسته است، بهره‌مندی نویسنده کتاب از صورت کهن برخی واژه‌هاست که در زیر به تعدادی از آنها اشاره میکنیم:

- روز عاشورا که شهادت یافت و سَنک دِلان کوفه بدن مطهرش عریان بر خاک بیفکندند. (همان: ص ۱۸۳).

- گفت آنکس که گولان و ناآزمودگان را اندر پی کارهای بزرگ فرستد. (همان: ص ۲۵۶).

- آنان که ریش‌ها بستردند و سِبَال بتافتند. (همان: ص ۷۳۲).

- حضرت صادق بگریست و من به اشارت پرستاران اندکی خاموش بنشستم. (همان: ص ۹۰۸).

- سیمین بار صعود نموده باز آمد. (همان: ص ۴۷).

- موزه به پای اندر کرده بر آن مسح نمود. (همان: ص ۳۳).

- یکسال تمام بگذشت دوازده تن فریشته. (همان: ص ۱۱۹).

## ۲.۴. تضاد

یکی از مواردی که در متن کتاب، گاهی خودنمایی میکند، به کارگیری نویسنده از واژه‌های متضاد است. هر چند، به لحاظ معنا و در اغلب موارد، کلمات متضاد به کار برده شده از جمله کلماتی است که در حوزه گفتمان دینی مطرح میگردد. مانند:

- آنچه که خردمندان را در عاجل و آجل. (همان: ص ۱۲).

- اولویت ما در امر دین و دنیا باز نمود. (همان: ص ۲۶).

- کلام خدا بر ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه مشتمل است. (همان: ص ۳۰).
- از امر و نهی و حلال و حرام و طاعت و معصیت. (همان: ص ۳۱).
- بر یمین و یسار میتاخت. (همان: ص ۵۳۴).

از نمونه‌های فوق برمی‌آید زمانی که نویسنده از برخی کلمات که در حوزه گفتمان دینی کاربرد دارند، بهره میبرد، بی‌درنگ وارونه آن را نیز مطرح میکند. محض نمونه، زمانی که از دین سخن به میان می‌آورد، بلافاصله از دنیا و فانی بودن و کم ارزش بودن آن یاد میکند؛ یا زمانی که سخن از حلال به میان می‌آید، واژه مقابل آن (حرام) را می‌آورد و از این حیث این گزاره را به مخاطب القا میکند که گروهی از افراد در وادی خیر و نیکی هستند، مانند حضرت سیدالشهدا (سپاه حق) و گروهی در ساحت شر و ددمنشی، مانند دشمنان آل رسول (سپاه باطل). افزون بر این، به شکل معمول، واژه نخستینی که به کار می‌رود جنبه مثبت دارد و سپس واژه پیوست آن، مفهوم منفی. دین و دنیا، حلال و حرام، طاعت و معصیت، یمین و یسار.

### ۳. لایه نحوی

#### ۳.۱. فعل

##### • ساختار باستان‌گرایانه فعل

- یکی از شاخصه‌های برجسته متن اثر، بهره‌مندی نویسنده از صورتهای گوناگون و کهن افعال است. در موارد زیر نمونه‌هایی از این ساخت را با هم مرور میکنیم:
- من بازگشتم و عبدالله بن عمرو العاص را لعن و نفرین همی‌گفتم. (همان: ص ۳۸۵).
- آن مرد شتابان آمده همیگریست. (همان: ص ۶۱۹).
- تنی چند از اصحاب اندکی پیش راند و بربر بن خضیر پیشاپیش همیرفت. (همان: ص ۴۵۵).
- تنی چند از درویشان دید که نان پاره چند گرد کرده همیخوردند. (همان: ص ۱۸۰).
- اگر به جای این زیاد بودمی البته از او در گذشتمی. (همان: ص ۶۳۲).

##### • حذف فعل

- در فتنه مشتابید که مردمان هلاک شوند و خون‌ها ریخته [شوند]. (مقام زخار و صمصام بتار، معتمدالدوله: ص ۳۲۴).
- چندان ازدحام [کردند] و سبقت کردند که بر ابهام مبارکش پای نهادند. (همان: ص ۶۰).
- فریضه شام با یاران ادا کرده [بودند]، به دستور قصد سرای مختار نمود و خود اسلحه و آلات در زیر جامه فراز کرده بودند. (همان: ص ۸۴۴).
- از جمله مواردی که میبایست درباره مقوله حذف فعل در مقام زخار و صمصام بتار یاد آور شد، آن است که بیشترین حذف از نوع قرینه لفظی و همینطور در همکرد فعل صورت پذیرفته است. شدن در ریخته شدن یا کردن در ازدحام کردن.

با تدقیق در متن اثر، در خواهیم یافت که وجه غالب افعال، مربوط به زمان گذشته است و یکی از دلایل این مهم، تاریخی بودن نثر کتاب و این که این وقایع در گذشته رخ داده است؛ پس روایت آنها با فعل ماضی همراه است.

- خبر شهادت او به مدینه منوره آوردند و آنچه من خویش دیدم و همیدانستم محقق گشت. (همان: ص ۱۱۶).

- آنگاه زیاد تمام طوایف کوفه را گفت تا بروند و حجر را گرفته بیارند، باز بیندیشند. (همان: ص ۲۲۲).

- چون انوار آفتاب امامت و ولایت بر صفحه صفاح بتافت فرزدق شاعر شرف خدمت دریافت نمود. (همان: ص ۳۸۴).

- در سه حمله نود و هشت نفر به دوزخ فرستاد. (همان: ص ۵۰۱).

- دیدم که هم بر مجلس امیر نشسته و اصحاب گرد او گرفته. (همان: ص ۷۳۳).

#### ۴. لایه بلاغی

##### ۴،۱. تشبیه

در علم بیان «مانندگی یا تشبیه کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو میتوان یافت.» (بیان، کزازی، ب: ص ۴۰) را تشبیه نامیده‌اند.

- چون انوار آفتاب امامت و ولایت بر صفحه صفاح بتافت. (قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بَتار، معتمدالدوله: ص ۳۸۴).

- از همگان نوع انسان را واسطه العقد آفرینش است آفریده. (همان: ص ۱۲).

- به زیور عقلش بیاراست. (همان).

- سید کونین از میان جمع مانند شمع سر بر کرد. (همان).

- مکنون غیب را پرده خفا افتاد. (همان: ص ۱۳).

- شاهد مقصود حجاب از رخساره نمیگذاشت و صبح دولت از مشرق امید نمی‌دمید. (همان: ص ۱۷).

- رشته صحبت منقطع ساخت. (همان).

- شناوران لجه معرفت را بحری است زاخر. (همان: ص ۱۹).

- آفتاب سلطنت این پادشاه تا ابد تابنده. (همان).

- چهرشان در پاکی و صفا چنان بود که گفتم تیغ‌های صیقلی. (همان: ص ۱۱۷).

یکی از مواردی که باید در بحث تشبیه در قَمَقامِ زَخار و صَمصامِ بَتار یادآور شد این است که وجه غالب در یک طرف تشبیه، انتزاعی و ذهنی است و این امر سبب می‌گردد تا ذهن مخاطب برای یافتن وجه اشتراک، تمرکز بیشتری داشته باشد.

#### ۴,۲. استعاره

در متن کتاب، به صورت‌های گوناگون از این شاخصه بلاغی استفاده شده است؛ ولی بسامد بالای آن هنگام نام بردن از بزرگان دین است. در آن جا برجستگی این مهم به چشم می‌آید؛ مثلاً:

- پس از رحلت خیر البشر در میان امت. (همان: ص ۲۰).

- هر منقبت که از حضرت ابوتراب بر زبانها با شد نقیض آن در حق دیگر اصحاب بیارند. (همان: ص ۲۴).

- آن روز فخر کاینات ابهام مبارک بدهانش همینهاد. (همان: ص ۵۷).

- آن شاهباز اوج شهادت و شیر بیشه جلاذت. (همان: ص ۵۳۳).

- ملائکه مقربین بر جانبازی آن جرعه نوش جام عشق. (همان: ص ۵۳۴).

- از جانب مرحمت جناب شاهنشاه دریا دل. (همان: ص ۱۵).

باید یادآور شد، علاوه بر بهره‌مندی نویسنده از صنعت استعاره، یکی از ویژگیهای برجسته نثر کتاب، شاخص‌هایی است که فرهاد میرزا برای بزرگان در نظر می‌گیرد. برای مثال هنگام نام بردن امام حسین<sup>(ع)</sup>، در رتبه نخست به کاربرد استعاره روی می‌آورد و اگر این صنعت مد نظر نباشد، یقیناً شاخصی مانند «جناب» را پیش از نام حضرت قرار می‌دهد که این مهم بر عظمت و تقدس شخصیت امام می‌افزاید.

#### ۴,۳. کنایه

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح آن است که نویسنده معنای دور عبارت را در ذهن داشته باشد؛ مانند:

- کوفیان دل با تو و دست بر تو دارند. (همان: ص ۳۸۵).

- خدمتش را نشانختند. (همان: ص ۱۲).

- دل و جان در باختند. (همان).

- جلوه حسنای جمالش را در رسته‌ای من یزید یافت. (همان).

- معاویه طلب خون عثمان بهانه ساخت. (همان: ص ۲۰).

- کسان را دل قوی شد. (همان: ص ۲۴).

- هرگز در تسمیه او بر حضرت تو پیشی نجویم. (همان: ص ۵۴).

- و خاکستر بر فرق زمینیان بارد. (همان: ص ۱۴۱).

باید افزود که هدف از کنایه آن است که «سخن دوست، با درنگ و تلاشی ذهنی میباید، سرانجام، به معنای پوشیده و فروپوچیده در کنایه راه برد و راز آن را بگشاید» (بیان، کزازی، ب: ص ۱۵۶).

#### ۴,۴. مجاز

در تعریفی مختصر از مجاز باید گفت که «سخنور واژه را در معنایی به کار بگیرد که بر آن برنهاده نشده است. معنای نهادین و قاموسی واژه معنای راستین آن است؛ و معنایی که سخنور در سروده

خویش از آن خواسته است، معنای هنری آن» (همان: ص ۱۴۰) است. اما در متن کتاب قَمَقَامِ زَخَّارٍ و صَمُصَامِ بَتَّارٍ، از میان علایق مجاز، گونه‌کل و جزء و جزء و کل بسامد بالایی دارد که در این جا به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- چنین مگو او را که عالمیانت ملامت کنند. (همان: ص ۲۷۸).

- آسمان ... و هر آفریده حتی وحوش و سیاع بیابانها بر تو بگریند. (همان: ص ۱۴۱).

- پس با دست مبارک اشارتی کرد. (همان: ص ۱۴۲).

در نمونه نخست عالم را گفته است و مراد نویسنده مردم عالم است. نیز در مثال دوم از آسمان و وحوش و حیوانات درنده خونام برده و منظور کل هستی است. سدیگر نمونه نیز دست را گفته و مراد، انگشت سیابه است.

#### ۴.۵. تضمین

صنعت تضمین آن است که کسی سخنی از قرآن مجید یا حدیث یا شعر شاعر دیگری را در نظم یا نثر خود بیاورد که در متن قَمَقَامِ زَخَّارٍ و صَمُصَامِ بَتَّارٍ به فراوانی با این مهم مواجهیم؛ مانند:

- قال رسول الله حسین منی و انا من حسین. (همان: ص ۶۵).

- یا قوم حجر دافعوا و صادلوا / و عن اخیکم ساعة فقاتلوا. (همان: ص ۲۲۳).

- انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. (همان: ص ۶۹).

#### ۴.۶. تلمیح

از جمله مسایل مهم در قَمَقَامِ زَخَّارٍ و صَمُصَامِ بَتَّارٍ، اشاره به احادیث یا آیات یا وقایع تاریخی است که در هر کدام نکته‌ای نغز نهفته و میتوان به عنوان تلمیح در نظر گرفت که در این جا به چند مورد از آن بسنده میکنیم:

- اشاره به ماجرای هابیل و قابیل. (همان: ص ۱۱۹).

- اشاره به ماجرای کشتی حضرت نوح. (همان: ص ۱۱۰).

باید در نظر داشت که بهره‌مندی نویسنده از این صنعت، جدا از معنا و مفهوم موضوع کتاب نیست. به بیانی دیگر، اگر اشاره‌ای به کشتی نوح می‌شود، ماجرا و روایتی که از آن مطرح میگردد مرتبط با حضرت سیدالشهداست و این که «چون خدای را بر هلاکت قوم نوح مشیت کامله علاقه گرفت، بفرمود: از درخت ساج تخت‌ها ببرند و همپندانست تا بدانها چه کند! جبرئیل بیامد و با خویش تابوتی بیاورد که اندر آن یکصد و بیست و نه هزار میخ بود، نجی الله آن میخ‌ها همیکوبید تا پنج از آن بماند. نخست مسماری بر گرفت. نوری از آن ساطع شد. چنان که گویی کوب درّی بر کرانه آسمان همیدرخشد. نوح به حیرت اندر ماند. میخ به فرمان خدای به سخن آمده، گفت: شگفت مدار که مرا به نام خیرالانبیاء محمد بن عبدالله کرده‌اند... چون دست به میخ پنجمین فرود

آورد به دستور ضیا بخش گیتی گشت و نداوتی پدید آمد، جبرئیل گفت: این یک حسین بن علی راست» (همان: ص ۱۱۰).

#### ۴,۷. تشخیص

هرگاه با نسبت دادن عمل، حالت و یا صفت انسانی به یک پدیده غیرانسانی به آن جلوه‌ای انسانی ببخشیم. در متن کتاب با نمونه‌هایی از این آرایه مواجه خواهیم شد، مانند:

- حب مال و جاه دیده دل ایشان بدوخت. (همان: ص ۲۴).
- ملائکه آسمانها بگریند و مرغان و ماهیان گریه کنند. (همان: ص ۱۲۳).
- آسمان و زمین بر مصیبت ایشان بگریند. (همان: ص ۱۳۱).

#### ۴,۸. تناسب

تناسب در بیانی ساده آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که در مقام زحار و صمصام بتار به صورت‌های گوناگون مشاهده میکنیم؛ برای مثال:

- هر چند شما کاره و ناخشنود باشید. (همان: ص ۲۰-۲۱).
- آن عهد و موثیق با حسن بر بستم. (همان: ص ۲۱).
- این نخست غدر و مکر و نقض پیمان بود. (همان).
- گفتند: مسکنت و فقرشان بدانجا رسیده. (همان).
- او نیز هد/یا و هبات و افره همیداد. (همان: ص ۲۶).
- بر فرزند تو حسین آن بلیت و محنت فرود آید. (همان: ص ۱۱۹).
- ولایت جور بر آن داشت که کذب و بهتان و/فترا/ وسیله ساختند. (همان: ص ۲۹).
- قامت برافراخت، چهره برافروخت. (همان: ص ۱۱).

علاوه بر بحث تناسب یا مراعات نظیر، نوعی ترادف هم بین واژه‌های فوق دیده میشود.

#### ۵. لایة ایدئولوژیک

در این بخش از جستار باید اشاره کرد که فرهاد میرزا در دیباچه کتابش آورده است که «در جمع و ذکر اوقایع عاشورا» اهمالی نیفتاد و از کتب محدثین و مورخین که از سنه ۱۰۰۰ یک هزار هجری و بعد به رشته تالیف در آورده‌اند درج و نقل نکردیم» (همان: ص ۱۹). همین نکته ما را رهنمون میسازد تا بتوانیم این ادعا را داشته باشیم که محتوای کتاب، به لحاظ تاریخی میتواند قابل اعتنا و استناد باشد؛ یکی از استدلالات این مدعا آن است که نویسنده، پیش از ذکر حدیث یا یک روایت، منبع آن را ذکر میکند.

افزون بر این نکته، نویسنده کتاب تمام هدف خود را بر آن نهاده است تا تصویری دقیق و شایسته از سیدالشهداء و یاران و اصحاب ایشان ارائه دهد. به بیانی دیگر، فرهاد میرزا با بهره‌مندی از شاخصه‌های لفظی و روساخت کلام، سعی کرده است توجه مخاطب را به بزرگی و تقدس حضرت

ح سین<sup>(۵)</sup> جلب نماید که از این منظر موفق بوده است. همانگونه که اشاره شد شما در سرتا سر کتاب، نام امام و یا حضرت عباس<sup>(ع)</sup> را بدون شاخص «جناب» یا مانند آن نمییابید و یا اگر هم باشد به ندرت! این نکته در مخاطب این القا را ایجاد میکند که حتی در رو ساخت کلام نیز باید شایسته سخن گفت و بخش عمده‌ای از این دیدگاه و ایدئولوژی به صبغه خانوادگی نویسنده کتاب مقام زخار و صمصام بتار باز میگردد. همین طور یکی از شاخصه‌های فکری برجسته این کتاب این است که نویسنده، تمام تلاش خود را کرده است تا خود را بی‌تعب نشان دهد و در واقعه و یا روایتی نظر شخصی را به شکل جانبدارانه مطرح نکند و این م ساله‌ای بسیار مهم است. به بیانی دیگر، ما به هنگام خواندن متن کتاب، این حس را دریافت میکنیم که ما (مخاطب) درباره آن گزاره داوری خواهیم کرد و نویسنده کمترین جهت‌گیری را در برخورد با مسایل مذهبی -خاصه واقعه شورا- داشته است.

### نتیجه‌گیری

کتاب مقتل مقام زخار و صمصام بتار، یکی از متون معتبر و قابل اعتماد درباره وقایع شورا و رخدادهای پیش و پس از آن است که به قلم شاهزاده فرهاد میرزا نگاشته شده است. در این جستار، با بهره‌مندی از دانش نوین سبک‌شناسی لایه‌ای (سبک‌شناسی مدرن)، به بررسی این اثر گرانسنگ پرداختیم. در نگاهی دقیق‌تر، لایه‌های آوایی، واژه‌ای، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک متن مورد واکاوی قرار گرفت و دستاوردهای زیر حاصل این پژوهش است: جدا از جنبه تاریخی متن، سبک کتاب مقام زخار و صمصام بتار به لحاظ تحلیل سبک‌شناسانه، شایسته بررسی است. به بیانی دیگر، متن دارای ظرفیت بالایی برای خوانش‌های مختلف است که میتوان آن را در لایه‌های گوناگون سبک‌شناسی مدرن تحلیل کرد؛ اما با تدقیق در بررسی لایه‌های آوایی، واژه‌ای، بلاغی و حتی نحوی به یک وجه اشتراک دست خواهیم یافت و آن این که نویسنده با بهره‌مندی از این شاخصه‌ها، سعی دارد بر بزرگداشت و تقدس معنای متن خود بیفزاید. در لایه آوایی کلام، کاربرد جناس، سجع و تکرار تأثیر موسیقایی متن را چند برابر میکند و همین مسأله، به موازات داده‌های تاریخی، ضمن ارائه وقایع، مخاطب را نسبت به خواندن و خوانش متن ترغیب میکند. چه بسا اگر این شاخصه، در اثر برجسته نبود، مخاطب دیر آشنا با تاریخ را از خواندن ادامه متن باز میداشت. در لایه واژه‌ای، غلبه با کلمات انتزاعی و ذهنی است و این امر باعث میشود خواننده بیش از پیش از ذهن خود بهره‌مند گردد و به هنگام دریافت داده‌های تاریخی، آنها را در ذهن خود مورد ارزیابی قرار دهد. در بخش دیگر از لایه واژه‌ای، کاربرد کلمات و عبارات عامیانه، شاذ و نادر است و شاید یکی از دلایل این مطلب، صبغه خانوادگی فرهاد میرزا باشد. افزون بر این، همان موارد نادر را زمانی به کار میبرد که سخن از دشمنان پیامبر خدا به میان می‌آید و سعی دارد حقارت عملکرد آنان را در لفظ هم برملاسازد. وارونه این نکته نیز در متن دیده میشود؛ یعنی هنگامی که سخن از بزرگی و عظمت

حضرت سیدالشهدا می‌شود، نویسنده از میان واژه‌ها، بهترین و والاترین آنان را گزینش میکند که همین مهم بر تقدس معنا می‌افزاید. در لایه نحوی، کاربرد ساختار کهن افعال، حذف به قرینه لفظی و همچنین تبعیت از ساختار نحوی عربی، نوعی بازگشت به سبک نگارش متون قدیم از دید نحوی است. افزون بر این، تبعیت از برخی ساختارهای نحوی عربی این نکته را فریاد می‌آورد که نویسنده، انسی کامل با زبان و آثار عربی دارد و تلفیق دو زبان فارسی و عربی بر استحکام و انسجام متن افزوده است. در لایه بلاغی، کاربرد تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و دیگر صناعات معنوی سبب هنریتر شدن سبک ادبی متن و فعالیت بیشتر ذهنی شده است. در لایه ایدئولوژیک یا فکری نیز، باید یادآور شد که نویسنده با احاطه‌ای کم‌نظیر بر وقایع تاریخی مربوط به زندگانی حضرت سیدالشهدا، بر آن است که ضمن ارائه تاریخی متقن و قابل استناد از رخداد‌های عاشورا، با بهره‌مندی از لایه‌های آوایی، واژه‌ای، بلاغی و حتی نحوی بر تقدس و ارزش معنای متن خود بیفزاید؛ بخصوص که این معنا جایگاه حضرت سیدالشهدا و خاندان ایشان است.

#### منابع

۱. بدیع. کزازی، میرجلال‌الدین. چ هفتم. تهران: ماد. (۱۳۸۹)
۲. بیان. —————. چ نهم. تهران: ماد. (۱۳۸۹)
۳. تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز. جلد دوم، چ دهم، تهران: نشر نو. (۱۳۹۵)
۴. سبک‌شناسی. فتوحی، محمود. چ دوم. تهران: سخن. (۱۳۹۲)
۵. سیر مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر. رنجبر، محسن. زمستان، شماره ۱۶، ۸۳-۱۲۲. (۱۳۸۶)
۶. صوت آواها و نظریه منشأ زبان. نیکویخت، ناصر. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۳۳. (۱۳۸۳)
۷. عصر قاجار و تذکره‌های خاندانی. محسنی، محمدباقر. فروردین، شماره ۲۲۲، ۴۸ - ۵۱.
۸. فرهنگ نام‌آوایی فارسی. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. (۱۳۸۴)
۹. قَمقام زَخَّار و صَمصام بَتَّار، معتمدالدوله، فرهاد میرزا. با تصحیح و حواشی محمود محرمی زرنندی، چ چهارم. تهران: کتابچی. (۱۳۸۶)
۱۰. قَمقام زَخَّار در تاریخ واقعه کربلا، رحیمی، عبدالرفیع. «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا». اردیبهشت، ۲۸-۳۲. (۱۳۸۳)
۱۱. کلیات سبک‌شناسی. شمیسا، سیروس. چ چهارم. تهران: میترا. (۱۳۹۳)